

با مردم

تماشای تلفنی از مداخل با خانواده‌شان

۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

چرا عیدی بازنشستگان و شاغلان یکسان نیست در حالی که بازنشستگان ۳۰سال حق بیمه پرداخته‌اند عیدی‌شان به اندازه شاغلان نیست، حداقل این است که به اندازه یک‌ماه پایه حقوق خودشان عیدی بگیرند نه اینکه رقم بسیار ناچیز یک‌میلیون و ۸۰۰هزار تومان. چرا مسئولان متوجه هزینه‌های زندگی بازنشستگان نیستند.

فرهنگی از تهران

برای توزیع لاستیک پول‌های رانندگان را بلو که کرده‌اند یکی از شرکت‌های درخواست‌زودی اینترنتی برای توزیع لاستیک مثلا دولتی و ارزان‌تر یک‌ماه زودتر مبلغ را از رانندگان دریافت کرده و پس از یک‌ماه که باید لاستیک را تحویل بگیریم پاسکاری شروع شده و رانندگان را سرگردان و از کار و زندگی انداخته است و تازه فروشنده می‌گوید که لاستیک هنوز نیامده است.

جالب اینجاست وقتی با شرکت تماس می‌گیریم بعد از اینکه یک ساعت در صف انتظار هستیم زمانی که قرار است به اپراتور وصل شویم تلفن را قطع می‌کنند.ایا این سزاوار است که پول راننده یک‌ماه مسکوت بماند و کسی هم جوابگو نباشد؟

آشتیانی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خودتان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۹۱۶

بانک‌هایی که به موجودی کارت سود می‌دهند معرفی شوند اخیرا برخی از بانک‌ها به مبالغی که در حساب و کارت مشتر پانشان موجود است، داوطلبانه سود واریز می‌کنند.

این کار برای مشتریان نازگی دارد و تشویقی برای جلب نقدینگی و سرمایه توسط بانک‌هاست. بهتر است که بانک مرکزی اسامی بانک‌های عامل اجرای این طرح را اعلام کند تا هم مشتریان بیشتری از خدمات این بانک‌ها استفاده کنند و هم ایین بانک‌ها بتوانند نقدینگی بیشتری جذب کنند.

همایون فر از تهران

مقررات برگزاری کنکور سراسری بازنگري شود دانش‌آموزی از مناطق محروم ه‌ستم و بسیار نگران مقررات برگزاری کنکور. سطح تدریس بر خط در مناطق محروم اصلا قابل مقایسه با کلاس‌های بر خط مراکز استان‌ها نیست. شائبه تقلب در امتحانات نهایی هم جدی است و امتحان‌ها سه‌ ماهه نیست. برای رفع مشکل این بخش امکان ترمیم معدل با شرکت دوباره در آزمون نهایی مسیر است که برای اقشاری مانند ما سخت است او لاه‌زینه شرکت در آزمون ترمیم معدل برای ما بسیار زیاد است. در ثانی زمان برگزاری آزمون فوق در اوج دغدغه و فشارماه قبل از کنکور است. بنابراین تلاش برای ترمیم معدل امیدی باقی نمی‌گذارد. لطفا صدای ما را بشنوید.

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

مراکز قدیمی پاراکلینیکی، تعرفه مراکز مدرن و نورا می‌گیرند

بعضی از مراکز پزشکی در شهرها از جمله اصفهان ظاهری آراسته و نمای شیک دارند ولی وسایل و تجهیزات آنها اغلب قدیمی و فرسوده است. این موضوع به‌خصوص در مورد آزمایشگاه‌ها و مراکز عکسبرداری‌های پزشکی از جمله ام‌آر‌آی،سونوگرافی، سی تی اسکن، برخی رادیولوژی‌ها و… بیشتر دیده می‌شود. در حالی که دستگاه‌های مراکز قدیمی دقت و حساسیت لازم را ندارند،ولی همان نرخ‌ها و تعرفه‌های جدید مصوب را از مراجمین دریافت می‌کنند، لطفاً به این موضوع رسیدگی شود.

کمبود اسکناس، نگران‌کننده است کاهش تدریجی چاپ و توزیع اسکناس‌ها نگران‌کننده است زیرا همچنان در معاملات به پول‌های نقد نیاز است و حتی در برخی مواقع معاملات خرد فقط با پول نقد انجام می‌شود. مسئولان تصور نکنند که همه چیز با کارت بانکی شدنی است و جا دارد همچنان نسبت به توزیع پول به میزان متناسب توجه کنند.

اکبری از تهران

دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران، شرکا و یا نمایندگان

شرکت تضامنی تحسیری و شرکا

به شماره ثبت ۳۴۱۶۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۳۹۲۶۴۰۱

دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در محل تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ در ساعت ۱۰ صبح که در محل قانونی شرکت به نشانی تهران بلوار میرداماد جنب موزه دفینه پلاک ۴۵۶ ساختمان بزرگ میرداماد طبقه همکف واحد ۲ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵ در ساعت: ۱۰ صبح

۱- انحلال شرکت

۲- هر گونه تصمیمی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده باشد.

حوادث

تماس تلفنی دختر بیه‌ای که مادرش دچار تشنج شده بود با اورژانس جان او نجات داد

دختر ۴ساله، فرشته نجات مادرش شد



تماس دختر بچه ۴ساله جان مادرش را نجات داد

با او صحبت کنم تا متوجه شود تماسش واقعی است. وقتی او گوشی را نزدیک مادرش گرفت و من صدای نفس کشیدن و ناله او شنیدم مطمئن شدم که واقعا برای مادرش مشکلی پیش آمده است. دختر بچه خیلی کوچک بود و نمی‌توانست آدرس خانه‌شان را اعلام کند؛ مثلا وقتی من آدرس را پرسیدم او گفت ما در نوبت ۴ هستیم. این اسم برآیم آشنا بود و در ادامه فهمیدم که منظور دختر کوچولو نوبت ۴ است. همان موقع بود که من آمبولانس را به محل حادثه اعزام کردم. این کارشناس وظیفه‌شناس اورژانس ااهدان به این گفتگو اکتفا نکرد و چند دقیقه بعد خودش با دختر کوچولو تماس گرفت. او در این باره می‌گوید: وقتی با دختر کوچولو تماس گرفتم او این بار گوشی را به خامنی که همسایه‌شان است داد و از او خواش کردم تا زمان رسیدن آمبولانس بالای سر بیمار برود. او گفت بیمار بی‌هوش روی زمین افتاده از او پرسیدم که آیا بیمار نفس می‌کشد که او گفت نمی‌دانم. گفتم ببین که قفسه سینه‌اش تکان می‌خورد که او جواب مثبت داد و معلوم شد نفس می‌کشد. در این شرایط به او گفتم که بیمار را به پهلو بخواباند و لحنظاتی بعد همکارانم به آنجا رسیدند و به این ترتیب بیمار به مرکز درمانی منتقل شد و نجات یافت. این نخستین مرتب‌های نبود که این کارشناس اورژانس به‌طور تلفنی توانسته‌بود باعث نجات بیماری شود. او درباره حادثه مشابهی که چند وقت قبل رخ داده بود می‌گوید: فردی با اورژانس تماس گرفته بود و در حالی که خیلی ناراحت و مضطرب بود گفت که پسر ۳ساله‌اش دچار ایست قلبی شده‌است. او همسرش گریه می‌کردند و کاری از دست‌شان ساخته نبود. می‌گفتند که برسبچه نفس نمی‌کشد. اول آنها آرام کردم و در ادامه با همکاری خوششان همزمان با اعزام آمبولانس راهنمای‌شان کردم. پدر فرزندش ماساژ قلبی داد و مادر هم به او نفس مصنوعی داد و به این ترتیب آنها توانستند خودشان فرزندشان را احیا کنند و لحنظاتی بعد هم همکارانم به آنجا رسیدند و بیمار ۳ساله به بیمارستان منتقل شد. این کارشناس اورژانس در ادامه می‌گوید: من در تماس دختر کوچولو تلاش کردم طوری با او صحبت کنم که حرف‌هایش را ادامه دهد و خدا را شکر مادرش نجات پیدا کرد.



گفت‌وگوی اپراتور اورژانس با دختر بچه

بعد از آنکه دختر بچه‌با او اورژانس ۱۱۵ تماس گرفت این مکالمه بین او و اپراتور ثبت شکل گرفت:

کسی نزدیک نیست که بتونه آدرس بده؟ همسایه مون هستن. الان شما بیمارستان؟	اورژانس بغیر ما،ید.
بله.	اوکد در حالی که گوشی را در دستش گرفته دوان دوان از خانه بیرون می‌رود و در خانه همسایه را می‌زند و گوشی را به پسر بچه همسایه می‌دهد)
او السلام. آدرس آنجا را می‌دهی؟	اینجا سوان است. مسکن مهر، نوبت ۴.
شما چند سالته؟ می‌تونی بری داخل خانه دختر بچه بینی حال مادرش چطوره؟	شما چند سالته؟ می‌تونی بری داخل خانه دختر بچه بینی حال مادرش چطوره؟
۱۵ساله. مادرش جوانی.	می‌تونی بری خانه‌شان؟
نه من دارم آماده می‌شم برم مدرسه. نمی‌تونم برم.	می‌تونی آدرس بدی؟
می‌خواهم بفهمم حال مرض چطوره؟ به‌جز تو چه کسی آنجا است؟	می‌تونی آدرس بدی؟
هیچ کس خانه‌مان نیست. فقط خودم هستم.	نوبت ۴، سر کوچه، خیابان سرباز کجا؟ چنین جای نداریم.
می‌تونی بری داخل خانه‌شان؟	کدام شهر هستی؟ زاهدانی، خاشی، کجایی؟
نه نمی‌تونم.	سوران، سوران
می‌تونی سسر کوچه بری راهی؟	منظورت از نوبت ۴، نوبت ۴
خب، همانجا سسر کوچه پایست تا آمبولانس برسه.	هستش؟
	بله

تماس ۴ساله، فرشته نجات مادرش شد

بمهم به‌قتل برادر بزرگ فرقتول وقتی روز گذشته به داسرای جنایی تهران منتقل شدد، در تمام زمان جلسه بازپرسی اشک می‌ریخت و می‌گفت بهشت پشیمان است. او می‌گفت در این ماهه مدام کابوس‌های وحشتناک می‌دید و برای همین تصمیم گرفته با اعتراف به جنایت، از این کابوس فرار کند. گفت‌وگو با او اینچنین.

عذاب وجدان

من قصد قتل نداشتم. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد و من در آن لحظه نتوانستم خشمم را کنترل کنم. از کوره در رفتم و با برادرم درگیر شدم، او قصد داشت جان مرا بگیرد و من پیش دستی کردم.

منهم به‌قتل برادر بزرگ فرقتول وقتی روز گذشته به داسرای جنایی تهران منتقل شدد، در تمام زمان جلسه بازپرسی اشک می‌ریخت و می‌گفت بهشت پشیمان است. او می‌گفت در این ماهه مدام کابوس‌های وحشتناک می‌دید و برای همین تصمیم گرفته با اعتراف به جنایت، از این کابوس فرار کند. گفت‌وگو با او اینچنین.

من قصد قتل نداشتم. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد و من در آن لحظه نتوانستم خشمم را کنترل کنم. از کوره در رفتم و با برادرم درگیر شدم، او قصد داشت جان مرا بگیرد و من پیش دستی کردم.

روز حادثه چه اتفاقی افتاد؟
آن روز رفتم بومد خانه مادرم که کارهای بنایی خانه‌ش را انجام بدهم. مادرم خانه نبودم برادرم (متول) به کمک آمده بود. وضعیت زندگی او مرا عذاب می‌داد چون سال‌ها بود که گرفتار اعتیاد شده و زندگی‌اش تباه شده بود. همسر و فرزندش رهایش کرده و رفته بودند. خودم هم در یک خانه کوچک زندگی می‌کردم شرایط خوبی نداشت. در حالی که از چند سال قبل برای خودش پروبویی داشت. او یک آرایشگر حرفه‌ای و هنر مند بود اما از وقتی که اسیر اعتیاد شد دیگر نمی‌توانست به خوبی و مانند قبل کار کند. هر جا که مشغول می‌شود بعد از مدتی صاحب کارش اخراجش می‌کرد چون می‌فهمید اعتیاد دارد. آن روز که خانه مادرم سر گرم کار بودیم، ما قفسه کشیدم که باز کارش را از دست داده عمیانی شدم و به او گفتم دیگر بس کن. سعی کن اعتیادت را ترک کنی و زندگی درستی را در پیش

ب اظهارات این مرد، تحقیقات مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران آغاز شد اما در جریان بررسی‌ها هیچ سرخنی از جوان گمشده پیدا نشد.

این در حالی بود که پدر و مادرش هر بار که برای پیگیری پرونده به اداره پلیس می‌رفتند، تا امید به خانه برمی‌گشتند تا اینکه بعد از گذشت ماهه، روز گذشته مردی به اداره پلیس رفت و مدعی شد که جوان گمشده را به قتل رسانده است. این مرد یکی

عاملان حمله به شاهچراغ(ع) در سومین جلسه محاکمه مطرح کردند

ماجرای خانه‌های تیمی داعش در تهران

که از طریق پیام رسان تلگرام دستوراتی درباره حمله به شاهچراغ دریافت کردم.

در ادامه جلسه، فیلم بیعت عامل اصلی حمله تروریستی با امرای داعش پخش شد و این متهم در پاسخ به سؤال نماینده دادستان درباره اینکه چرا دوباره از عامل حمله تجناری بیعت گرفته شده گفت: بیعت دوباره و چندباره با اعضا رسم و روال نیست اما دستور رابط من با گروه داعش این بود که با حامد بدخشانی (عامل حمله تروریستی) پیش از عملیات بیعت مجدد بگیرم و فیلم آن را ارسال کنم. این متهم پس از دفاعیات وکیل مدافعش برای آخرین مرتبه به دفاع از خود پرداخت و گفت: از کاری که کرده‌ام پشیمانم. امرأ به من گفته بودند که با زنان و بچه‌ها کاری ندارند و به افراد عادی ایران می‌آیند، پذیرایی کنم.

با پایان دفاعیات متهم ردیف اول، رئیس دادگاه به متهم ردیف دوم به نام محمد رحمانی معروف به ابوخالد دستور داد که در جایگاه ایستاده و از خودش دفاع کند. او گفت: از ۹ماه قبل در ایران هستم و دربدو ورودم به‌عنوان کار گر در کشتار گاهی در تهران مشغول به کار شدم. آشنایی‌ام با محمد رازم (متهم ردیف اول)

مربوط به سال ۹۷ در اداره امنیت افغانستان و زمانی است که به اتهام عضویت در گروه داعش دستگیر شدم. من ۱۷سالگی در مدرسه داعش بودم و سپس از زورود به ایران، عبدالله سعید که رابط ما با گروه داعش بود با من تماس گرفت و گفت منازلی را در تهران اجاره کنم و تحویل بگیرم و از مهمانانی که از طرف او به ایران می‌آیند، پذیرایی کنم.

او ادامه داد: عبدالله سعید افرادی را که برای سکونت به ایران می‌آیندند به‌عنوان قافل

خودش معرفی می‌کرد. او توصیه او کار در کشتارگاه را رها کرد و فقط از مهمانان عبدالله سعید پذیرایی می‌کردم. پیش از وقوع حمله به شاهچراغ(ع) در دو نوبت ۴ نفری مهمان معرفی شده از سوی عبدالله سعید را با خود به منزل

کوتاه از حادثه

دستگیری راهزنان مسلح جنوب تهران

اعضای باندی که با سد کردن مسیر خودروهای مدل بالا و تهدید اسلحه دست به زورگیری از راننده‌ها می‌زدند دستگیر شدند.

به‌گزارش همشهری، سرهنگ کار آگاه علی ولی پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با بیان این خبر گفت: با وقوع سرقت‌های خشن مسلحانه از خودروهای مدل بالا در جاده‌های جنوب تهران، رسیدگی به پرونده در دستور کار تیمی زنده از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد که ۴ مرد جوان با کلت کم‌ری جلوی خودروهای گران‌قیمت متهمان را شناسایی کردند و در ادامه موفق به ردیابی مخفیگاه این ۴مرد جوان در جنوب تهران شدند. سرهنگ کارآگاه ولی پور گودرزی متذکر شد: کارآگاهان با هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی راهی مخفیگاه متهمان در جنوب تهران شدند و آنها را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کردند. از مخفیگاه متهمان ۲ قفسه کلت کم‌ری و ۳۵قفسه جنگی کشف شد و آنها پس از انتقال به اداره یکم پلیس آگاهی، به سرقت مسلحانه خودروهای گران‌قیمت مثل پرادو و لند رورز با تهدید کلت کم‌ری اعتراف کردند. به‌گفته‌ی وی مالیات‌گزان، اعضای این باند را شناسایی کردند و در ادامه تحقیقات خودرو و مسروقه گران‌قیمت از مخفیگاه این ۴مرد جوان کشف شد.

مرگ اسرار آمیز دختر موسیقی‌دان

مرگ مشکوک دختر موسیقی‌دان در خانه‌ای در شرق تهران، تیم جنایی را با یک معمای پیچیده مواجه کرده است. به گزارش همشهری، شامگاه سی‌ام بهمن امسال به بازپرس محمد مهدی برآعه، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که دختری جوان به طرز مشکوکی جانش را از دست داده است. به دستور بازپرس، تحقیقات در این پرونده آغاز و مشخص شد که دختر جوان مهمان خانه مردی بوده اما در آنجا حالش بد شده و به کام مرگ رفته است. تیم جنایی در ادامه خود را به محل حادثه که آپارتمانی در شرق تهران بود رساند. متوفی دختری حدوداً ۳۰ساله بود که روی لباس‌هایش آثار یک پاک وجود داشت. صاحبخانه مدعی بود که مهمانش بعد از خوردن سوپ حالش بد شده و روی پیراهنش سوپ ریخته نه تریاک، به علت آنکه خود را به محل حادثه که آپارتمانی در شرق تهران سوار مترو شده که چشم‌به‌چشمی به دختر جوان افتاد. او در حال نواختن موسیقی بود که نظرم را به خودش جلب کرد. بعد از آن روز هم چندبار دیگر به مترو رفتم، و دختر جوان را در آنجا دیدم و سر صحبت را با او باز کردم. مرد میبانشان ادامه داد: نامش آتوسا بود. می‌گفت که خانواده‌اش در شهرستان زندگی می‌کنند و کارش نواختن موسیقی در خیابان‌هاست. آتوسا می‌گفت از این کار لذت می‌برد چون از کودکی موسیقی کار کرده و استعداد خاصی در این زمینه داشته است. حتی چندبار برای اجرا به ترکیه سفر کرده بود و به این ترتیب آشنایی ما ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل آتوسا به من گفت پدرش زمین‌ی را که در شهرستان داشته فروخته و سهمش را پرداخت کرده است. آنطور که آتوسا می‌گفت حدود یک میلیارد تومان پول داشت و از من خواست ثرابی از یک ماشین بخرم و با مابقی پولش خانه‌ای برایش اجاره کنم. وی گفت: شب حادثه مهمان خانه مادرم بودم که آتوسا تماس گرفت و از او خواستم تا برای صحبت در مورد خرید خودرو و اجاره خانه به خانه مادرم بیاید. او هم قبول کرد و وقتی رسید مادرم با او همراه شد و به‌گفته‌ی او آتوسا بعد از خوردن نخستین قاشق، ناگهان حالش بد شد که من فوراً با اورژانس تماس گرفتم. اما وقتی آنها رسیدند، آتوسا جان یاخته بود. با توجه به مشکوک بودن ماجرا، جسد دختر جوان به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت اصلی مرگ وی مشخص شود.

آشنایی ما ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل آتوسا به من گفت پدرش زمین‌ی را که در شهرستان داشته فروخته و سهمش را پرداخت کرده است. آنطور که آتوسا می‌گفت حدود یک میلیارد تومان پول داشت و از من خواست ثرابی از یک ماشین بخرم و با مابقی پولش خانه‌ای برایش اجاره کنم. وی گفت: شب حادثه مهمان خانه مادرم بودم که آتوسا تماس گرفت و از او خواستم تا برای صحبت در مورد خرید خودرو و اجاره خانه به خانه مادرم بیاید. او هم قبول کرد و وقتی رسید مادرم با او همراه شد و به‌گفته‌ی او آتوسا بعد از خوردن نخستین قاشق، ناگهان حالش بد شد که من فوراً با اورژانس تماس گرفتم. اما وقتی آنها رسیدند، آتوسا جان یاخته بود. با توجه به مشکوک بودن ماجرا، جسد دختر جوان به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت اصلی مرگ وی مشخص شود.

بازداشت مأمور پلیس در پرونده جوان سقزی

رئیس کل دادگستری استان کردستان از برخورد قاطع با فرد یا افراد خاطی در ماجرای کشته‌شدن جوان سقزی خبر داد و گفت: مأمور انتظامی روانه زندان شد. به گزارش تسنیم، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی در گفت‌وگو با خبرنگاران درخصوص کشته‌شدن مختار فتحی، جوان اهل شهرستان سنقر اظهار داشت: بلافاصله پس از این اتفاق، دادستانی شهرستان سنقر به ماجرا ورود کرد و در شعبه بازپرسی داسرای سقز پرونده قضایی تشکیل شد. وی گفت: ۹۹بهمن‌ماه سال جاری در مواجهه یکی از مأموران انتظامی شهرستان سقز با فرد متوفی (مختار فتحی) این فرد با شلیک گلوله کشته شد. رئیس کل دادگستری استان کردستان افزود: بلافاصله پس از این اتفاق و با شسکایت اولیاسی دم و ورود دادستان عمومی و انقلاب سنقر، پرونده قضایی در شعبه بازپرسی داسرای سقز تشکیل و مأمور انتظامی با قرار متناسب، بازداشت و روانه زندان شده‌است. وی از تکمیل تحقیقات قضایی در این باره خبر داد و تصریح کرد: با هر گونه تخلف و یا جرم ارتكایی از ناحیه مأمور انتظامی یا افراد خاطی در این پرونده مطابق قانون برخورد و نتیجه به اطلاع عموم خواهد رسید. حسینی همچنین هر گونه فضا سازی و شایعه پراکنی رسانه‌های معاند و ضدانقلاب در خصوص اینکه با متوفی به‌عدلیت شعار نویسی برخورد شده است را تکذیب کرد.

مرگ آتشین یک کار تن خواب

مرد کار تن خواب که قصد داشت با روشن کردن آتش خودش را گرم کند، دچار سوختگی شد و جانش را از دست داد. به‌گزارش همشهری، ساعت صبح دیروز رهگذری در حال عبور از بزرگراه نواب بود که در کنار شمشاد‌های کنار اتوبان چشمش به جسد سوخته مردی افتاد و پلیس را خبر کرد. پس از این تماس بود که تیم جنایی در محل حادثه حضور یافت و با جسد سوخته مردی جوان مواجه شد. بررسی‌ها نشان داد که او یک کار تن خواب بوده و با استفاده از ضایعات و کار تن، اقدام به روشن کردن آتش کرد تا خودش را گرم کند. به‌نظر می‌سید وی هنگام روشن کردن آتش، دچار بی احتیاطی شده و خودش نیز در میان شعله‌های آتش گرفتار شده و جانش را از دست داده است. به دستور قاضی محمد مهدی برآعه، بازپرس جنایی تهران، جسد مرد کار تن خواب به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دار.